

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فریبرز سنجری

۱۰ مارچ ۲۰۱۴

انقلاب تنها راه نجات مردم ما

کسانی که فکر می کنند خلق های دیگر جهان مثلاً در اروپا در یک روز آفتابی از خواب برخاستند و جامه آزادی و رفاه را بر تن کردند باید بدانند که اشتباه می کنند. چرا که هیچ خلقی بدون رنج و بدون تحمل سختی های بسیار نتوانسته سرنوشت خویش را خود تعیین کند. راه انقلاب راهی سخت و طولانی است اما تاریخ نشان داده هیچ چاره ای جز عبور از آن وجود ندارد. به این راه باید پیوست و به پیروزی اش ایمان داشت، راهی که انقلاب شکوهمند بعدی در چشم انداز آن می باشد.

۳۵ سال پیش در ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه [دلو] سال ۱۳۵۷ پس از ماه ها تظاهرات توده ئی در شهرهای مختلف و اعتصابات کارگری بزرگ در کشور ، سرانجام توده های پر شور و مبارز با حمله به پادگان ها و مراکز سرکوب رژیم شاه که به عنوان قیام بهمن از آن یاد می شود، موفق شدند به یکی از بزرگترین آرزوهای خویش جامه عمل پوشانده و رژیم ضد مردمی شاه را به زباله دان تاریخ ببندازند. این پیشرفت بزرگ مبارزاتی، امپریالیست ها را که با نفوذ در تمام شئون جامعه ما و از طریق غارت ذخایر و منابع طبیعی ایران و استثمار نیروی کار دارای منافع عظیمی در ایران بودند و حتی موقعیت ایران به لحاظ ژئوپولیتیک چه در رابطه با خلیج فارس و چه به لحاظ داشتن مرزهای وسیعی با شوروی آن زمان، برای امپریالیست ها از اهمیت زیادی برخوردار بود، شدیداً دچار خوف و وحشت نمود.

هر ساله با فرا رسیدن سالگرد قیام بهمن که در واقع نقطه اوج انقلاب سال های ۵۶ و ۵۷ بود و نقطه عطفی در جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی مردم ایران محسوب می شود، در حالی که نیروهای آزادیخواه به تجلیل آن می پردازند، اما نیروهائی نیز فرصت می یابند تا تبلیغات مغرضانه ای را اساساً علیه انقلاب به مثابه تنها راه نجات مردم ما، و به طور مشخص انقلاب برای رهائی از شر نظم جابرانه حاکم و رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی اشاعه دهند. چه نشریات داخل کشور و چه رسانه های جمعی قدرت های امپریالیستی تم واحدی را در این تبلیغات دنبال می کنند. آن ها ابتداء رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی را نتیجه قیام بهمن جا می زنند و سپس همه فجایعی که این رژیم مستبد در بیش از سه دهه گذشته مرتکب شده را به پای توده های انقلابی می گذارند که ۳۵ سال پیش با خیزش میلیونی خود برای کسب آزادی و دموکراسی، جهان امپریالیستی را به لرزه انداختند. هدف از چنین تبلیغاتی گمراه کردن کسانی است که به هر دلیل بر آن چه که در جریان انقلاب سالهای ۵۶ و ۵۷ بر این خیزش بزرگ مردمی گذشت، آگاه نیستند. هدف آن است که کسانی که مخالف رژیم جمهوری هستند با قبول تبلیغات سوء آنان که گویا انقلاب باعث روی کار آمدن این

رژیم جنایتکار شده است، در اساس مخالف انقلاب گشته و برای رهائی از شرایط نکبت بار موجود انرژی مبارزاتی خود را در بیراهه های "اصلاحات" به هرز بیرند.

جای تعجب نیست که سم های تبلیغی نیروهای فوق الذکر روی کسانی هم تأثیر گذاشته و ما حتی گاه در میان نسل جوان شاهد اظهار نظر هائی باشیم که در آن ها نسل گذشته را به خاطر دست زدن به انقلاب سرزنش بکنند که گویا با روی کار آوردن جمهوری اسلامی زندگی را بر آن ها تباه کرده اند. مروجان اصلی این ایده، اصلاح طلبان حکومتی و در رأس آن ها سعید حجاریان، معمار دولت خاتمی می باشد. حجاریان همان کسی است که برای جلوگیری از کانالیزه شدن خشم به حق نسل جوان به سوی انقلاب یعنی به سوی دگرگون ساختن کل سیستم اقتصادی - اجتماعی موجود در ایران و نابودی نظام سیاسی حاکم، کار را به آن جا رسانده که مطرح می کند که "معتقدم حتی شاه هم قابل اصلاح بود". با این تبلیغات وی می کوشد تا جوانان ما به جای روی آوری به انقلاب، با امید بستن به تغییرات تدریجی ظاهراً غیر خشونت آمیز، راه نجات را در ناکجا آباد جمهوری اسلامی اصلاح ناپذیر، جست و جو کنند.

در تبلیغات فوق که روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی در نتیجه انقلاب توده ها جلوه داده می شود، منطقاً تمامی نکبت و تباهی، از فقر و فلاکت و بیکاری گرفته تا شکنجه و خفقان و سرکوب و فقدان آزادی ناشی از حاکمیت جمهوری اسلامی در ایران نیز نتیجه اشتباهات نسل بر پا کننده انقلاب جا زده می شود. اما در مقابل این تبلیغات بی اساس، دو موضوع را باید مورد توجه قرار داد. اول این که مردمی که علیه رژیم شاه دست به انقلاب زدند از سر سیری و ندانم کاری نبود که به پا خاستند. واقعیت این است که شاه که در سال ۱۳۲۰ توسط انگلیس ها به جای پدرش بر تخت سلطنت نشاند شده بود، با کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد [اسد] سال ۳۲ علیه حکومت قانونی دکتر مصدق، این بار با همکاری دولت های امریکا و انگلیس مجدداً به قدرت باز گشت. شاه پس از کودتای ۲۸ مرداد از یک سو در های کشور را برای تسهیل چپاول آن توسط اربابانش که او را به قدرت رسانده بودند چهار طاق باز گذاشته بود تا از جمله ذخایر نفتی که دولت مصدق ملی کرده بود را کنسرسیوم امریکائی و انگلیس به یغما برد و از طرف دیگر با اعمال یک دیکتاتوری لجام گسیخته هر صدای آزادیخواهی را در گلو خفه می ساخت. این رژیم ضمن سرکوب خونین هر صدای اعتراضی در گلو، تسمه از گرده توده های ستمدیده کشیده و از آن ها که او را مجبور به فرار از کشور نموده بودند، با دار و شکنجه و درفش انتقام می گرفت. رژیم شاه به این طریق به همگان نشان می داد که سرکوب داخلی لازمه نوکری برای خارجی است. بنا بر این نسل انقلاب در سال های ۱۳۵۷-۱۳۵۶ کاملاً حق داشت که به انقلاب بر خیزد. این نسل در کشور گل و بلبل زندگی نمی کرد که علیه رژیم خونخوار شاه شوریده و با دادن چند هزار شهید سرانجام آن رژیم جهانی را به جائی انداخت که از ابتداء سزاوارش بود، یعنی به زباله دان تاریخ.

خیزش میلیونی توده هائی که از وضع موجود به تنگ آمده و خواهان نابودی نظم ظالمانه حاکم می باشند، نمی توانست صورت واقعیت به خود بگیرد و انقلاب نمی توانست برپا شود اگر رژیم شاه به عنوان حافظ منافع سرمایه داران وابسته و امپریالیست ها با عملکردهای ارتجاعی و جنایتکارانه خود خشم و نفرت عمومی را به طرف خود جلب نمی کرد. در نتیجه وقتی می بینیم که میلیون ها نفر به خیابان ها ریخته و فریاد مرگ بر شاه سر می دهند این خود نشان می دهد که شاه چه شرایط ذلت باری برای این مردم ایجاد نموده بود که به نقطه نفرت میلیون ها کارگر و توده محروم تبدیل شده بود.

دوم این که اساساً جمهوری اسلامی حاصل انقلاب نبود که بتوان با تکیه بر آن علیه انقلاب سخن گفت. این رژیم به عکس همه ادعاهای نادرست و مغرضانه، نتیجه دسیسه های امپریالیستی علیه انقلاب توده ها و ناتوانی انقلاب برای در هم شکستن سلطه قطعی دشمنان خود بود. اگر به خواست های مردم در آن سال ها باز گردیم می بینیم که مردم برای استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی و علیه وابستگی و دیکتاتوری و فقر و فلاکت به پا خاسته بودند. این ها همان

خواست هائی بود که جمهوری اسلامی از روز اول به قدرت رسیدن در مقابل آن ها ایستاد و چه با توسل به فریب و ریا و چه با استفاده از قهر ضد انقلابی و سرکوب مبارزات توده ها، از تحقق آن ها جلوگیری کرد. بنابراین در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی در عمل نشان داد که سرکوب انقلاب توده ها از همان روز اول هدف این رژیم بود، جا زدن جمهوری اسلامی به مثابه حاصل انقلاب بزرگترین تحریف تاریخ می باشد این رژیم در واقع، وسیله سرکوب خونین انقلاب توده ها و حاصل سیاست های نو استعماری علیه خیزش بزرگ انقلابی مردم ما بود. اگر به تاریخ انقلاب مراجعه کنیم فوراً متوجه می شویم که خمینی و دارو دسته اش در آن سال ها در صف مبارزان علیه رژیم شاه وزنه ای نبودند و اساساً خیلی از جوانان و نوجوانانی که دست اندر کار انقلاب بودند، حتی نام خمینی را هم نشنیده بودند که بتوانند بعداً عکس وی را در ماه ببینند! در واقعیت این تبلیغات رسانه های امپریالیستی همچون بی بی سی و تلاش های طبقه حاکم یعنی سرمایه داران وابسته در ایران بود که خمینی را خمینی کرد تا او بتواند خشم و نفرت مردم را کنترل کرده و از رادیکالیزه شدن مبارزات آن ها و قدرت گیری کمونیست ها جلوگیری کند. نگاهی به مذاکرات دارو دسته خمینی با دولت کارتر و نامه های رد و بدل شده کاملاً روشن می سازد که خمینی برای رسیدن به قدرت چه قول هائی به امریکا داد و بعدها هم چگونه با عمل به این قول ها خوش قولی خود را برای آن ها به اثبات رساند. کشتار کمونیست ها یکی از قول و قرار هائی بود که همان طور که دیدیم این دژخیم برای به انجام رساندن آن از هیچ جنایتی کوتاهی نکرد. بنابراین خمینی و جمهوری اسلامی اش نه حاصل انقلاب مردم ما بلکه حاصل سیاست قدرت های بزرگ امپریالیستی در کنفرانس گوادالوپ بودند. در نتیجه اگر باید نیروئی را به خاطر وجود نکبت جمهوری اسلامی، آماج نفرت خود قرار داد این نیرو جز قدرت های امپریالیستی یا به عبارت دیگر امپریالیسم نمی باشد که تا سلطه اش از سرزمین ایران بر نیفتد مردم ما هم به آزادی دست نخواهند یافت.

با توجه به واقعیات فوق، ضمن تأکید بر این که انقلاب توده های دلیر ایران در مقابل دشمنانش یعنی امپریالیست ها و سرمایه داران وابسته داخلی شکست خورد، باید بر مبارزات گذشتگان ارج نهاد. باید بکوشیم از تجربیات آن مبارزات برای ساختن آینده درس گرفته و راه رسیدن به آزادی را هموار سازیم. نزدیک به صد سال گذشته، مردم ما برای رسیدن به آزادی به دو انقلاب بزرگ متوسل شدند که هر دو با این که به پیروزی نرسیدند اما دستاوردهای بزرگ و انکار ناپذیری برای راهپیمائی طولانی مردم ما به سوی آزادی در بر داشتند.

انقلاب مشروطیت علی رغم همه فراز و نشیب هایش و علی رغم همه سازش ها و خیانت هائی که برای به شکست کشاندنش رخ داد سرانجام مظفر الدین شاه قاجار را مجبور نمود که فرمان مشروطیت را در ۱۴ مرداد [اسد] ۱۲۸۵ (۱۹۰۶ میلادی) امضاء کند. به این ترتیب استبداد خاندان قاجار به اجبار به تشکیل مجلس شورای ملی و حرکت بر اساس قانون اساسی و حکومت مشروطه تن داد. اموری که همه برای کشور ما تازگی داشت و نسبت به استبداد شاهان قاجار گامی به پیش بود.

انقلاب سال های ۵۶ و ۵۷ هم که طی آن میلیون ها نفر برای استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی به پا خاستند گرچه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه را به زباله دان تاریخ انداخت اما قادر به نابودی سیستم سرمایه داری وابسته و قطع نفوذ امپریالیست ها از ایران نشد و نتوانست به اهداف خود دست یابد و در نیمه راه ملا خور شد. این انقلاب آن چنان نظام ظالمانه حاکم را به لرزه انداخت که طبقه حاکم و کار به دستانش تا چند سال قادر نشدند اوضاع را به وضع سابق باز گردانند و این به مردم امکان داد تا دستاوردهائی هم چون جنبش مسلحانه خلق گردد را به ارمغان آورند که در بستر آن خلق گردد سال ها در مصاف با جمهوری اسلامی مناطقی از گُردستان را از سلطه جمهوری اسلامی خارج ساخت و تجربیاتی تاریخ ساز برای نسل آینده بر جا گذاشت. همچنین این انقلاب به شکل گیری جنبش شورائی در ترکمن صحرا امکان داد که تجربیاتی بزرگ برای ساختن آینده در اختیار نسل های بعدی باقی بگذارد.

درست است که انقلاب سال های ۵۶ و ۵۷ شکست خورد و ضد انقلاب حاکم انتقامی سخت از مردم جسور به پا خاسته گرفت اما نباید فراموش کنیم که همه تبلیغات مسمومی که علیه انقلاب سال ۵۷ و اساساً هر انقلابی برای رهایی، سازمان یافته درست به این دلیل می باشد که جز از طریق انقلاب نمی توان از سلطه جهنمی جمهوری اسلامی و نظام نکبت بار سرمایه داری حاکم خلاص شد و به آزادی و رهایی رسید. همچنین باید آگاه بود که راه رسیدن به آزادی و زندگی در رفاه و آرامش راه سهل الوصولی نیست و مملو از شکست ها و فراز و فرود هاست. اما این مبارزات علی رغم همه ناکامی ها ، راه آینده را روشن و هموار می سازند.

کسانی که فکر می کنند خلق های دیگر جهان مثلاً در اروپا در یک روز آفتابی از خواب برخاستند و جامعه آزادی و رفاه را بر تن کردند باید بدانند که اشتباه می کنند. چرا که هیچ خلقی بدون رنج و بدون تحمل سختی های بسیار نتوانسته سرنوشت خویش را خود تعیین کند. راه انقلاب راهی سخت و طولانی است اما تاریخ نشان داده هیچ چاره ای جز عبور از آن وجود ندارد. به این راه باید پیوست و به پیروزی اش ایمان داشت، راهی که انقلاب شکوهمند بعدی در چشم انداز آن می باشد.

بهمن ماه [دلو] ۱۳۹۲